

# بازشناسی نهضت جنگل

سیدجعفر مهرداد

«بازشناسی نهضت جنگل» بر اساس گزارشهای منتشر شده، شامل چهار بخش جداگانه و مستقل: تقویم تطبیقی، شرح سالنامه، نهضت جنگل در آینه شعر، و یادداشت‌های تنظیم یافته است.

این مجموعه، به عنوان مدخل برای بازشناسی وقایع شش سال و نیمه نهضت جنگل فراهم آمده است.

به یاد هشتادمین سال شهادت میرزا کوچک خان جنگلی، دو بخش از این مجموعه، تقدیم خوانندگان گرامر می‌شود.

یاد شهید سرفراز، سردار جنگل و یاران وفادار او گرامی و عزت نامشان مستدام باد.

## مقدمه

نهضت جنگل از اردیبهشت ۱۲۹۴ ش. بارهسپار شدن میرزا به سوی رشت آغاز شد و دو شنبه ۱۱/۴/۱۳۰۰ ش. پس از حدود شش سال و نیم، ماکشته شدن سردار جنگل در جهنم و سه سالگی، پایان یافت.

احمدشاه، در سال ۱۲۸۸ ش. به سلطنت رسید. در ۱۲۹۰ ش. برای رفع بحران مالی ایران، مستشاران مالی امریکاییه ریاست شوستر به ایران آمدند. دولت تزاری روسیه، با تهدید و هجوم نظامی به سوی ایران برای برکنار کردن شوستر، دو بار اوتیمانوم داد.

مجلس دوم شورای ملی، به اتفاق آراء اوتیمانومهارا رد کرد. با آنکه دولت ایران تقاضای روسها را بپذیرفت و شوستر را برکنار کرد، سپاهیان روسیه تزاری از تبریز و رشت وارد ایران شدند. و به جلب و حبس و تجزیه و کشتار مبارزان مهین خواه دست زدند.

در تبریز در ایام عاشورا (روز دوشنبه ۱۰ دیماه ۱۲۹۰ ش.) فتنه الاسلام تبریزی را پاچند نفر دیگر، و در رشت و انزلی (روز جمعه ۱۲ بهمن ۱۲۹۰ ش.) عده‌ای از آزادگان ایران را به دار آویختند. در مشهد مقدس، روز شنبه ۱۰/۱/۱۲۹۱ (۱۲۹۱ مطابق ماده ربیع الثانی ۱۳۳۰ ق.) گنبد مقدس حضرت (رضایع) را به توب بستند.

پس از سالها تیر آواز غم انگیز روسایان گیلان در برنجزارها باز هم به گوش می‌رسید که غمگینانه می‌خواندند:

«هزار و سیصد و سی چون بیوستا

اروس قبر رضایه توب دبستان

و قی ۱۳۳۰ ق. [شده، روسها قیبر رضا (ع) را به توب بستند.

از جنبه کسانی که بر اثر فشار روسها در سالهای ۹۰-۱۲۹۱ ش. از ظرف نظمی ایران به پنج سال تبعید از رشت به تهران و محرومیت از سکونت در زادگاهش محکوم شد، هیونس، معروف به «میرزا کوچک خان» بود.

میرزا، سال ۱۲۵۷ ش. در محله اوستاسرای رشت متولد شد و در مدرسه‌های حاج حسن و جامع رشت، مقدمات فقه و اصول را فرا گرفت. در

تهران در مدرسه صدر و محمودیه، به تکمیل تحصیل طلبگی پرداخت و مدتی نیز معلم بود.

در قیام ازادخواهان رشت علیه محمدعلی شاه در ۱۲۸۷ ش. با مشروطه طلبان همکاری داشت. هنگام بسیج توای منی رشت برای تصرف پایتخت، به مجاهدان پیوست و در فتح تهران شرکت جست.

شادروان علامه عینی اکبر دهخدا مؤلف لغتنامه، میرزا کوچک خان را به صورت زیر توصیف کرده است:

«میرزا کوچک خان، از مجاهدین گیلان بود که ... برای بیرون کردن محمدعلی شاه به طهران آمد. او سربازی بی نهایت شجاع بود ... در اول بار که او را دیدم، جوانی شوش قیافه، به سن سی ساله می‌نمود. در نهایت درجه معتقد به دین اسلام و به همان حد تیر وطن پرست بود ... نماز و روزه او هیچ وقت ترک نمی‌شد. هیچ وقت در عمر خود شراب نخورد و همچنین از دیگر مجرمات دینی بچسب بود ...»

در ۱۲۸۹ ش. هنگامی که محمدعلی شاه، شاه «خلوع»، به دستگیری روسهای تزاری، فعال خود را به قصد تصرف ترکمن صحرا به ایران گیل داشت، میرزا، داوطلبانه به قوای دولت مشروطه ایران پیوست و به جبهه رفت و در جریان جنگ به تیری که در زیر شانه این مجاهد و سرباز بی نهایت شجاع، تلسه بود، از یادرافتاده، اسیر گشت و به روسیه منتقل شد و پس از معالجه و برگشت به رشت بود که بر اثر فشار روسها به تهران تبعید گردید.

جنگ جهانی اول (شنبه ۹ مرداد ۱۲۹۳ - دوشنبه ۲۳ دی ۱۲۹۶) اشغال شمال و جنوب ایران به وسیله روس و انگلیس، فقر، بیکاری، ناامنی، و فساد حاکمان، سراسر ایران را دچار هرج و مرج ساخت. در این سالها دولت مرکزی، بسیار ضعیف و حتی از شهرهای نزدیک پایتخت بی‌خبر بود. حاکمان واقعی ایران، سمرای روس و انگلیس و قسولهای این دو سفارتخانه بودند.

کو ششهای معدود رجال ملی و مهین دوست، برای نجات ایران با دسیسه بازی اشراف و دشانت مستقیم بیگانگان نقش بر آب بود.

میرزا، در تهران با ملاقات و مذاکره با رجال دینی و ملی، به این نتیجه رسید

که اگر مفاومت مسلحانه‌ای در برابر تجاوز بیگانگان به وجود آید، قطعاً موجب کاهش فشار بر ملت ایران خواهد بود.

«نهضت جنگل» که از چنین تفکری نشأت می‌گرفت، پیش و پیش از همه، با نیروهای خارجی مذاخنه‌گر در امور ایران و با نیروهای داخلی متکی بر سیاست بیگانگی، به مخالفت برخاست و گیلان را به قدر توانایی خود، از نعدی رقت و آمدهای فشنون روس و انگلئس محفوظ نگاه داشت. نهضت جنگل، واکنش طبیعی در برابر دخالت و سلطه دولتهای روس و انگلئس در ایران در طی دو قرن گذشته بود.

نوده مردم، روستاییان، کسبه، بازرگانان و محدودی مالکان روشنفکر و آزادیخواه، طرفدار و پشتیبان این نهضت بودند. علاوه بر مبارزه با تجاوز بیگانگان، احیای مشروطیت و انعقاد مجلس باوکلای حقیقی و تشکیل دولت ملی و اعزام حاکمان درستکار به گیلان، از خواستههای اساسی دیگر سران نهضت بود.

در طی عمر شش سال و نیمه نهضت جنگل، وقایع بسیار مهمی مانند تعطیل مجلس شورای منی دوره سوم بر اثر تجاوز بیگانگان به داخل ایران، مهاجرت رجال ملی و تشکیل حکومت موقت ملی در کرمانشاه، و انقلاب کبیر روسیه رخ داده است.

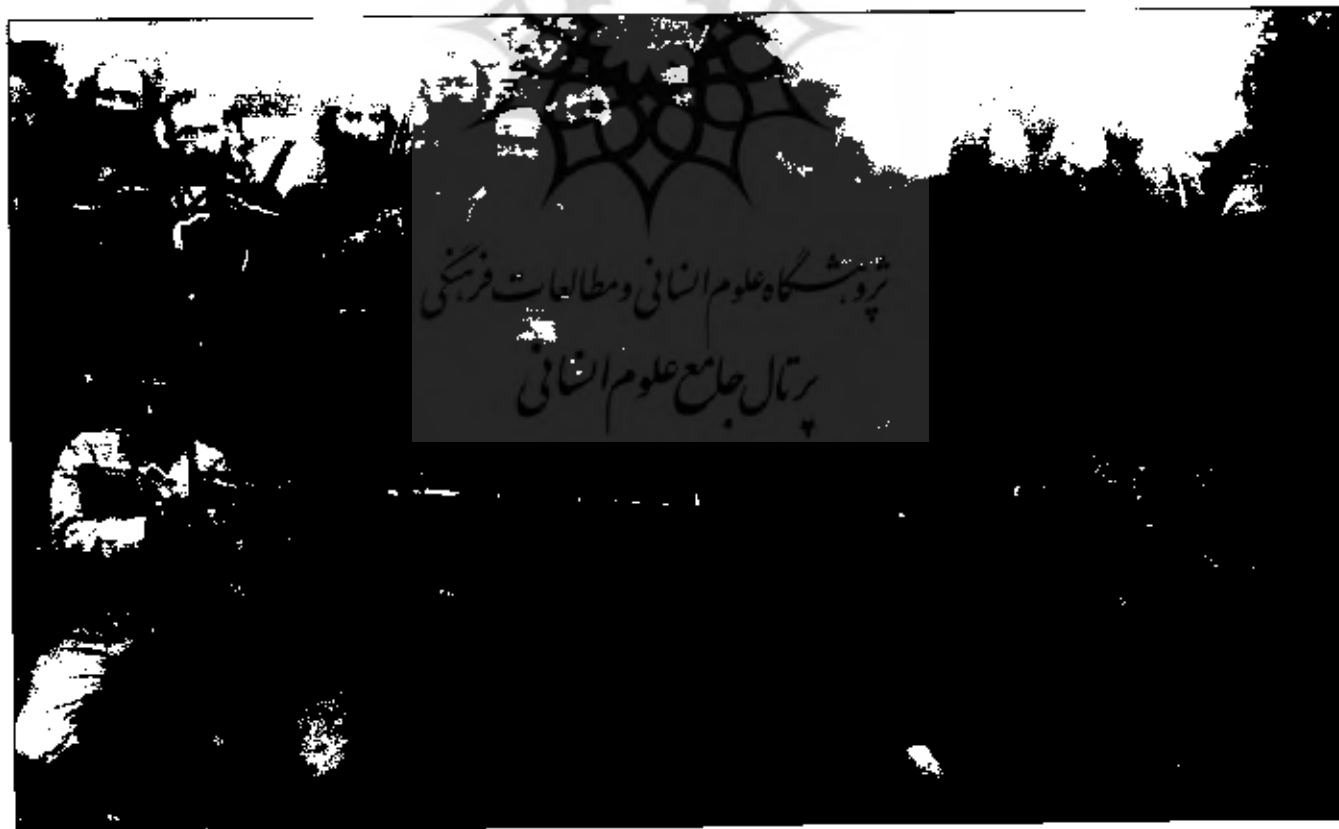
در این مدت، اشاره امور ایران را نیست و چهار کابینه گوناگون دولتی، و حکمرانی گیلان راه پیش از ده نفر به طور رسمی و پایه صورت غیر رسمی و

موقتی، به عهده داشته است.

در دو کتاب گراندقدر سردار جنگل «نوشته ابراهیم فخرایی» و «تاریخ انقلاب جنگل» ماه لطف محمدعلی گینک و سایر گزارشهای مربوط به نهضت جنگل، هم مآسئلهایر حسب تاریخ فمری و یا میلادی و ماههای نیز با نام فارسی، برجهای عربی، ترکی و گاه سریانی و روسی ثبت شده است.

در تطبیق تقویم تاریخ وقایع نیز، اختلافاتی ملاحظه می‌شود. به این جهت، مجموعه «پارزشناسی نهضت جنگل» تنها به استناد تقویم تعلیمی رسمی سازمان ثبت احوال کشور فراهم آمده است. به عنوان مثال، اعلام تاه‌میس نخستین دولت جمهوری به سرکسیری میرزا، در این مجموعه، ۱۶ سردار ۱۲۹۹/۱۸/رمضان ۱۳۳۸/۶/ژوئن ۱۹۲۰ و در مقدمه، تاریخ انقلاب جنگل، به قلم شادروان جهانگیر سرتیپ‌پور (ماءخذ، ۸، صفحه ۱۰)، ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۹/۱۸/رمضان ۱۳۳۸/ژوئن ۱۹۲۰ و همچنین، روز اعدام شهید مفلوم، دکتر حشمت، در «سردار جنگل» ابراهیم فخرایی (ماءخذ، ص ۱۸۰)، چهارم اردیبهشت برابر با ۱۱ شعبان ۱۳۳۷ و مطابق تقویم تطبیقی رسمی، این مجموعه، دوشنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۲۹۸/۱۱/شعبان ۱۳۳۷/۱۲/مه ۱۹۱۹ ضبط شده است.

در این مجموعه، تاریخ برخی وقایع مهم تاریخ عمومی ایران، در ارتباط مستقیم و غیر مستقیم با نهضت جنگل، با علامت ستاره مشخص شده است. به مانخذهای تقویم تطبیقی و شرح سالنامه، به اختصار اشاره شده است. برخی از کتابهای مورد استفاده یا مرجعه و کتابشناسی جنگل، در فهرست زیر



شماره	نویسنده - گردآورنده	کتاب	سال چاپ	ناشر
۱	محمدعلی گیلک	تاریخ انقلاب ایران	۱۳۷۱	گیلکان
۲	فتح... کشاورز	نهضت جنگل - اسناد ملی ایران	۱۳۷۱	
۳	رضا رضازاده لنگرودی	یادگارنامه فخرایی	۱۳۶۳	نشر نو
۴	رقیه سادات عظیمی	نهضت جنگل به روایت اسناد وزارت خارجه	۱۳۷۷	
۵	ابراهیم فخرایی	سردار جنگل (چاپ سیزدهم)	۱۳۷۶	جاویدان
۶	علی اکبر ولایتی	تاریخ روابط خارجی ایران	۱۳۷۴	
۷	حسین مکی	تاریخ بیست ساله ایران - جلد اول	۱۳۵۸	
۸	موسی پرستیس - حمید احمدی	بلشویک‌ها و نهضت جنگل	۱۳۷۹	شیرازه
۹	غلامحسین میرزا صالح	جنبش میرزا کوچک‌خان - اسناد سفارت انگلیس	۱۳۶۹	نشر تاریخ ایران
۱۰	دکتر شاپور روسانی	نهضت میرزا کوچک‌خان جنگلی	۱۳۶۳	
۱۱	جهانگیر سرتیپ‌پور	نامها و نامدارهای گیلان	۱۳۷۰	نشر گیلکان
۱۲	حاجی سیدصفای موسوی	تاریخ مکتول ایران		چاپ حقیقت رشت
۱۳	گریگور - یقینان	شوروی و جنبش جنگل	۱۳۶۳	نوین
۱۴	حسین مکی	زندگانی سیاسی سلطان احمدشاه	۱۳۵۷	امیر کبیر
۱۵	میرزا اسماعیل جنگلی	قیام جنگل	۱۳۵۷	جاویدان
۱۶	سید مهدی فرخ	شاطرات سیاسی فرخ (معتصم السلطنه)	۱۳۴۷	امیر کبیر
۱۷	دکتر عیسی صدیق	یادگار عمر - جلد اول	۱۳۵۲	دهخدا
۱۸	محسن صدر (صدرالاشراف)	شاطرات صدرالاشراف	۱۳۶۴	وحید
۱۹	مهدی بامداد	شرح حال رجال ایران	۱۳۷۱	زوار
۲۰	پورانذخت کسمایی	یادداشت‌های احمد کسمایی از نهضت جنگل	۱۹۹۳م	
۲۱	میراحمد مدنی - میرابوالقاسمی	جنبش جنگل و میرزا کوچک‌خان	۱۳۷۷	انجمن مفاخر ملی
۲۲	احمد گسروی	تاریخ هجده ساله آذربایجان	۱۳۷۸	امیر کبیر
۲۳	تاریخ مختصر احزاب سیاسی	ملک الشعراء بهار - جلد اول	۱۳۵۷	امیر کبیر
۲۴	کاظم شاهرشی - نصرت... فتحی	آزاده گمنام - خاطرات	۱۳۳۴	
۲۵	یادبودهای انقلاب گیلان	حسین چودت	۱۳۵۱	
۲۶	صادق کوچک‌پور - میرابوالقاسمی	نهضت جنگل و اوضاع فرهنگی و اجتماعی گیلان	۱۳۶۹	گیلکان
۲۷	سید محمد تقی میرابوالقاسمی	دکتر حشمت و اندیشه اتحاد اسلام	۱۳۷۸	ندا
۲۸	محمد حسن صیبری دیلسی	نگاهی از درون به انقلاب مسلحانه جنگل	۱۳۵۸	
۲۹	مهرنوش	میهن	۱۳۷۷	
۳۰	اسماعیل زانین	حیدر خان عمراوغلی - جلد اول و دوم	۱۳۵۲ و ۱۳۵۱	موسسه تحقیق و تالیف
۳۱	بهاءالدین املیشی (میران)	تاریخ گیلان	۱۳۵۲	
۳۲	زور لنجاقسکی - حورا باوری	غرب و شوروی در ایران	۱۳۵۱	
۳۳	م. س. ابوانف - قاتمپناه و ...	تاریخ نوین ایران	۱۳۵۶	
۳۴	حیدر... مشوفی	شرح زندگانی من - جلد سوم	۱۳۴۳	زوار
۳۵	مهدیقلی هدایت (مخبرالسلطنه)	شاطرات و خاطرات	۱۳۴۴	زوار
۳۶	جوزف. ام. اینون - یعقوب آژند	نگرشی بر تاریخ ایران نوین	۱۳۵۹	نیلوفر
۳۷	ابراهیم فخرایی	گیلان در قلمرو شعر و ادب	۱۳۵۶	جاویدان
۳۸	ایرو نسیاید - بهروز قزوینی	شاطرات و سفرنامه ژنرال ایرو نسیاید	۱۳۶۳	آینه
۳۹	یونس مروارید	از مشروطه تا جمهوری - جلد اول و دوم	۱۳۷۷	ارحادی
۴۰	دومستان آدینه	بزرگ مردی از تبار جنگل	۱۳۶۸	
۴۱	میرزا محمد تمیمی طالقانی	دکتر حشمت که بوده - جنگل گیلان چه بوده	۱۳۷۴	
۴۲	اداره کل ارشاد اسلامی گیلان	خورشیدی بر بام شرف		
۴۳	اسعد احرار	مردی از جنگل	۱۳۶۱	نوین
۴۴	ایرج افشار - بهزاد زانینی	خاطرات و اسناد ناصر دفترروانی (مشروطیت - جنگل)	۱۳۶۳	فردوسی

## تقویم تطبیقی نهضت جنگل

### ۱- تقویم تطبیقی سال ۱۲۹۴ شمسی

ردیف	شمسی	قمری	میلادی	سالنامه
۱	اردیبهشت - مرداد / ۱۲۹۴	ماه رجب ۱۳۳۳	مه - زوئن / ۱۹۱۵	روانه شدن میرزا به سوی رشت (مأخذ ۱ - ص ۱۷)
۲	۲۱ / مرداد / ۱۲۹۴	جمعه اول شوال ۱۳۳۳	۱۳ / اوت / ۱۹۱۵	عزیمت میرزا به طرف جنگل تولم و استقرار مسلمانان هفت نفر در آن (مأخذ ۱ - ص ۱۹)
۳	۳۰ / مرداد / ۱۲۹۴	یکشنبه / ۱۰ شوال ۱۳۳۳	۲۲ / اوت / ۱۹۱۵	مراسله قنسولگری روس راجع به لزوم سرکوی میرزا و همراهانش (مأخذ ۲ - سند شماره ۲)
۴	۲ / مهر / ۱۲۹۴	شنبه ۱۴ ذیحده ۱۳۳۳	۲۵ سپتامبر / ۱۹۱۵	جنگ ماکلون - شکست قزاقان روسی و ایرانی از جنگلیها (مأخذ ۱ - ص ۳۵)
۵	۲۱ / آبان / ۱۲۹۴	یکشنبه ۶ محرم ۱۳۳۴	۱۴ نوامبر / ۱۹۱۵	تعطیل مجلس شورایی دوره سوم بر اثر تجاوز نیروهای بیگانه به ایران
۶	۲۲ / آبان / ۱۲۹۴	دوشنبه ۷ محرم ۱۳۳۳	۱۵ نوامبر / ۱۹۱۵	مهاجرت رجال دینی و ملی و عده زیادی مردم از تهران به قم
۷	۱۷ / آذر / ۱۲۹۴	جمعه ۲ صفر ۱۳۳۴	۱۰ دسامبر / ۱۹۱۵	اشغال قم از طرف نیروهای روس
۸	۹ / دیماه / ۱۲۹۴	جمعه ۲۳ صفر ۱۳۳۴	۳۱ دسامبر / ۱۹۱۵	تشکیل حکومت موقت ملی در کرمانشاه
۹	اواسط بهمن ۱۲۹۴	اوائل ربیع الثانی ۱۳۳۳	اوائل فوریه / ۱۹۱۶	جنگ ماسوله و اولین شکست جنگلیها از قزاقان روس (مأخذ ۱۵ - ص ۶۴ در مأخذ ۱ - ص ۳۶ و ص ۳۷ اشیاها اواسط بهمن ۱۳۳۳ هجری قمری ثبت شده است)
۱۰	۱۱ / اسفند / ۱۲۹۴	چهارشنبه ۲۶ ربیع الثانی / ۱۳۳۴	۱ / مارس / ۱۹۱۶	تشکیل پلیس جنوب - ورود نظامیان انگلیس به جنوب ایران

### ۲- تقویم تطبیقی سال ۱۲۹۵ شمسی

ردیف	شمسی	قمری	میلادی	سالنامه
۱	۱۶ / اردیبهشت ۱۲۹۵	شنبه سوم رجب ۱۳۳۴	۱۶ مه / ۱۹۱۶	اعلام استعفای حشمت الدوله و الاتیار (ابوالفتح) حاکم گیلان (مأخذ ۳ - ص ۳۷۰)
۲	۲۶ / اردیبهشت ۱۲۹۵	سهشنبه ۱۳ رجب ۱۳۳۴	۱۶ مه / ۱۹۱۶	اعلام انتصاب آصف الدوله به حکومت گیلان (مأخذ ۳ - ص ۳۷۰)
۳	۴ / مرداد ۱۲۹۵	چهارشنبه ۲۵ رمضان ۱۳۳۴	۲۶ / ژانویه / ۱۹۱۶	تلگراف دارایی رشت به وزارت مالیه برای تعیین مخارج مبارزه با جنگلیها (مأخذ ۲ - سند شماره ۳)
۴	۲۶ / آبان ۱۲۹۵	جمعه ۲۱ محرم ۱۳۳۵	۱۷ نوامبر / ۱۹۱۶	واقعه کسا - کشته شدن مفاعروالملک (مجله گیله و شماره ۵۹ - اسناد تازه یاب دکتر عبدالکریم گلشنی)
۵	۲۲ / دی / ۱۲۹۵	جمعه ۱۷ ربیع الاول ۱۳۳۵	۱۲ ژانویه / ۱۹۱۷	تلگراف وزارت داخله، تهران به سفاروده امیر مقتدر (مأخذ ۲ - سند شماره ۸)
۶	۱۹ / بهمن ۱۲۹۵	پنجشنبه ۱۵ ربیع الثانی ۱۳۳۵	۸ فوریه / ۱۹۱۷	سواد راپرت کارگذاری رشت (مأخذ ۲ - سند شماره ۲۷)
۷	۱۵ / اسفند / ۱۲۹۵	دوشنبه ۱۱ جمادی الاول ۱۳۳۵	۵ مارس / ۱۹۱۷	مکتوب وزارت داخله به حکمران گیلان برای قلع و قمع جنگلیها (مأخذ ۱ - ص ۴۲)

### ۳- تقویم تطبیقی سال ۱۲۹۶ شمسی

ردیف	شمسی	قمری	میلادی	سالنامه
۱	۲۰ / خرداد / ۱۲۹۶	یکشنبه ۱۹ شعبان ۱۳۳۵	۱۰ ژوئن ۱۹۱۷	انتشار نخستین شماره روزنامه جنگل
۲	۲۶ / خرداد / ۱۲۹۶	شنبه ۲۵ شعبان ۱۳۳۵	۱۶ ژوئن ۱۹۱۷	اعلام خبر دستگیری امین الدوله مالک قریه لشت نشا (روزنامه جنگل - شماره دوم)
۳	۱ / تیر / ۱۲۹۶	جمعه ۲ رمضان ۱۳۳۵	۲۲ ژوئن ۱۹۱۷	زد و خورد طالبان (روزنامه جنگل - شماره سوم)
۴	۲۷ / تیر / ۱۲۹۶	چهارشنبه ۲۸ رمضان ۱۳۳۵	۱۸ ژوئیه ۱۹۱۷	پایان جنگ طالبان - ورود امیر مقتدر به فومن (مآخذ ۱ - ص ۵۵)
۵	اواخر مرداد ۱۲۹۶	اواخر شوال ۱۳۳۵	اواسط اوت ۱۹۱۷	ورود میرزابه خلخال (مآخذ ۱ - ص ۵۹)
۶	۱۵ / آبان / ۱۲۹۶	چهارشنبه ۲۰ محرم ۱۳۳۶	۷ نوامبر ۱۹۱۷	آغاز حکومت بلشویکی روسیه (۲۵ کتبر ۱۹۱۷ تاریخ روس)
۶	۱۸ / آبان / ۱۲۹۶	شنبه ۲۳ محرم ۱۳۳۶	۱۰ نوامبر ۱۹۱۷	عزل مفاخرالدوله (روزنامه جنگل - شماره پانزدهم)
۷	۲۵ / آبان / ۱۲۹۶	شنبه اول صفر ۱۳۳۶	۱۷ نوامبر ۱۹۱۷	تعیین حاکم برای گیلان (روزنامه جنگل - شماره شانزدهم)
۸	۱۷ / آذر / ۱۲۹۶	یکشنبه ۲۳ صفر ۱۳۳۶	۹ دسامبر ۱۹۱۷	کارگذاری و تکمیل اداره حکومتی (آقای مستصم السلطنه) (روزنامه جنگل - شماره نوزدهم)
۹	۱ / دی / ۱۲۹۶	یکشنبه ۸ ربیع الاول ۱۳۳۶	۲۳ دسامبر ۱۹۱۷	تعیین امیر عشایر خلخال به حکمرانی رشت از طرف هیئت اتحاد اسلام (مآخذ ۴ - سند شماره ۴)
۱۰	۲۳ / دی / ۱۲۹۶	دوشنبه ۳۰ ربیع الاول ۱۳۳۶	۱۴ ژانویه ۱۹۱۸	نفو کلیه قراردادهای سابق ایران و روسیه در پایان جنگ جهانی اول
۱۰	۴ / بهمن / ۱۲۹۶	پنجشنبه ۱۰ ربیع الثانی ۱۳۳۶	۲۴ ژانویه ۱۹۱۸	هفتون روس رجعت می‌کند - قرارداد هیئت اتحاد اسلام با قشون روس (روزنامه جنگل - شماره بیست و سوم)
۱۱	۱۷ / بهمن / ۱۲۹۶	چهارشنبه ۲۳ ربیع الثانی ۱۳۳۶	۶ فوریه ۱۹۱۷	تشنای کوچک جنگلی (روزنامه جنگل - شماره بیست و چهار)
۱۲	۲۹ / اسفند / ۱۲۹۶	چهارشنبه ۷ جمادی الثانی ۱۳۳۶	۲۰ مارس ۱۹۱۷	دستگیری فرانسوا انگلیس و رئیس بانک انگلیس در رشت (روزنامه جنگل - شماره ۲۷)

رتال جامع علوم انسانی

۴- تقویم تطبیقی سال ۱۲۹۷ شمسی

ردیف	شمسی	قمری	میلادی	موضوع
۱	۲ / فروردین / ۱۲۹۷	شنبه ۱۰ جمادی الثانی ۱۳۳۶	۲۳ مارس ۱۹۱۸	اعتراض سفارت انگلیس به دستگیری چند انگلیسی توسط جنگلیها (مأخذ ۴ - سند ۱۹)
۲	۲۲ / فروردین / ۱۲۹۷	جمعه ۳۰ جمادی الثانی ۱۳۳۶	۱۲ آوریل ۱۹۱۸	استخلاص اسرای انگلیسی بموسیله کارگذاری رشت (مأخذ ۴ - سند ۲۶)
۳	۲۴ / خرداد / ۱۲۹۷	جمعه ۲ رمضان ۱۳۳۶	۱۴ ژوئن ۱۹۱۸	جنگ منجیل (جنگ فرای روس و انگلیس با جنگلیها) (مأخذ ۵ - ص ۱۳۲)
۴	۲۹ / خرداد / ۱۲۹۷	چهارشنبه ۹ رمضان ۱۳۳۶	۱۹ ژوئن ۱۹۱۸	جنگهای غیرمنظم جنگلیها - اشغال رشت به وسیله نیروی انگلیس (مأخذ ۱ - ص ۱۲۷)
۵	۱۳ / مرداد / ۱۲۹۷	دوشنبه ۲۷ شوال ۱۳۳۶	۵ اوت ۱۹۱۸	تشکیل دولت وثوق الدوله (هفتاد قرارداد تنگین معروف به قرارداد ۱۹۱۹)
۵	۲۲ / مرداد / ۱۲۹۷	چهارشنبه ۶ ذیحجه ۱۳۳۶	۱۴ / اوت / ۱۹۱۸	انفقاد معاهده صلح بین دکتیه اتحاد اسلام و فنسول انگلیس (مأخذ ۱ - ص ۱۸۶)
۶	۱۴ و ۱۵ / مهر / ۱۲۹۷	شنبه اول محرم ۱۳۳۷	۸ اکتبر ۱۹۱۸	تعیین محمد حسن گیلانی به حکومت موقت گیلان (به جای حکمران انگلیسی در گیلان) (مأخذ ۲ - سند ۱۱۳)
۷	۶ / اسفند / ۱۲۹۷	سه شنبه ۲۳ جمادی الاول ۱۳۳۷	۲۵ فوریه ۱۹۱۹	تأمین پنهانی دولت وثوق الدوله به حاجی احمد کسبانی (مأخذ ۱ - ص ۱۹۲)
۸	۱۸ / اسفند / ۱۲۹۷	یکشنبه ۶ جمادی الثانی ۱۳۳۷	۹ مارس ۱۹۱۹	اعزام تیمورتاش به استانداری گیلان (مأخذ ۶ - ص ۵۲)

۵- تقویم تطبیقی سال ۱۲۹۸ شمسی

ردیف	شمسی	قمری	میلادی	موضوع
۱	۶ فروردین / ۱۲۹۸	پنجشنبه ۲۴ جمادی الثانی ۱۳۳۷	۲۷ مارس ۱۹۱۹	نامه فنسول انگلیس به میرزا و حاجی احمد کسبانی (مأخذ ۱ - ص ۱۹۳)
۲	۱۳ فروردین / ۱۲۹۸	پنجشنبه ۲ رجب ۱۳۳۷	۳ / آوریل / ۱۹۱۹	انخطار اداره سیاسی انگلیس به جنگلیها - پراکندگی فرای جنگل (مأخذ ۱ - ص ۱۹۸)
۳	۲۲ / اردیبهشت / ۱۲۹۸	دوشنبه ۱۱ شعبان ۱۳۳۷	۱۲ / مه / ۱۹۱۹	شهادت دکتر حشمت در فرق کارگذاری رشت (مجله گیلان - شماره ۱۱ - ص ۶ میرزا القاسمی)
۴	۲۵ / خرداد / ۱۲۹۸	یکشنبه ۱۶ رمضان ۱۳۳۷	۱۵ ژوئن ۱۹۱۹	اعلامیه حکومت نظامی از طرف تیمورتاش حاکم رشت (مأخذ ۵ - ص ۱۸۲)
۵	۲۱ / تیر / ۱۲۹۸	یکشنبه ۱۴ شوال ۱۳۳۷	۱۳ ژوئیه ۱۹۱۹	بیانیه سردار معظم (تیمورتاش) حکمران گیلان و طوالتش (مأخذ ۱ - ص ۵۸۲ تصویر اسناد)
۶	۱۷ / مرداد / ۱۲۹۸	شنبه ۱۲ ذیحجه ۱۳۳۷	۹ / اوت / ۱۹۱۹	عقد قرارداد معروف به قرارداد ۱۹۱۹ وثوق الدوله با انگلستان
۷	۱۹ / مرداد / ۱۲۹۸	دوشنبه ۱۴ ذیحجه ۱۳۳۷	۱۱ / اوت / ۱۹۱۹	حرکت احمدشاه به اروپا
۶	۲۶ شهریور / ۱۲۹۸	پنجشنبه ۲۲ ذیحجه ۱۳۳۷	۱۸ سپتامبر ۱۹۱۹	نامه رئیس آتریاد (قزاقخانه) تهران به میرزا و پاسخ آن (مأخذ ۱ - ص ۲۳۸ - ۲۴۱)
۷	۳ / بهمن / ۱۲۹۸	جمعه اول جمادی الاول ۱۳۳۸	۲۳ ژانویه ۱۹۲۰	افزایش حکمران جدید گیلان برای سازش با جنگلیها (مأخذ ۵ - ص ۲۲۱)
۸	۲۱ / اسفند / ۱۲۹۸	پنجشنبه ۱۹ جمادی الثانی ۱۳۳۸	۱۱ مارس ۱۹۲۰	پیرامون مذاکرات فنسول انگلیس و میرزا کوچک خان (مأخذ ۲ - سند ۷۰)
۹	اسفندماه / ۱۲۹۸	جمادی الثانی ۱۳۳۸	فوریه - مارس ۱۹۲۰	تأید نهضت جنگل و میرزا به وسیله سید حسن مدرس (مأخذ ۱ - ص ۵)

۶- تقویم تطبیقی سال ۱۲۹۹ شمسی

ردیف	شمسی	قمری	میلادی	سازمانه
۱	۳۱ فروردین ۱۲۹۹	شنبه ۱ شعبان ۱۳۳۸	۲۰ آوریل ۱۹۲۰	نامه کمیته لنگران به میرزا (مأخذ ۱ - ص ۲۴۲)
۲	۲۸ / اردیبهشت ۱۲۹۹	شنبه ۲۹ شعبان ۱۳۳۸	۱۸ مه ۱۹۲۰	تجاوز شورویها به انزلی و اعتراض دولت ایران (مأخذ ۱ - ص ۲۶۷)
۳	۳۰ / اردیبهشت ۱۲۹۹	پنجشنبه ۱ / رمضان ۱۳۳۸	۲۰ مه ۱۹۲۰	نامه کمیسر خارجه شوروی به اعتراض ایران (مأخذ ۵ - ص ۲۳۵)
*	۱۳ خرداد ۱۲۹۹	۱۵ / رمضان ۱۳۳۸	۳ ژوئن ۱۹۲۰	مراجعت احمدشاه از اروپا به ایران
۴	۱۴ خرداد / ۱۲۹۹	جمعه ۱۶ رمضان ۱۳۳۸	۴ ژوئن ۱۹۲۰	استقبال باشکوه از میرزا برای ورود به رشت (مأخذ ۵ - ص ۲۳۵)
۵	۱۶ خرداد / ۱۲۹۹	یکشنبه ۱۸ رمضان ۱۳۳۸	۶ ژوئن ۱۹۲۰	اعلام جمهوری - تشکیل کمیته انقلاب سرخ ایران (مأخذ ۵ - ص ۲۵۰)
۶	۲۵ خرداد / ۱۲۹۹	شنبه ۲۷ رمضان ۱۳۳۸	۱۵ ژوئن ۱۹۲۰	اعلام کمیته انقلاب سرخ ایران - خلع سلاح پادگان رشت (مأخذ ۵ - ص ۲۶۴)
۷	۱۸ تیر / ۱۲۹۹	جمعه ۲۲ شوال ۱۳۳۸	۹ ژوئیه ۱۹۲۰	عزیمت میرزا از رشت به فومن به عنوان اعتراض (مأخذ ۵ - ص ۲۶۹)
۸	۲۳ تیر / ۱۲۹۹	چهارشنبه ۲۷ شوال ۱۳۳۸	۱۴ ژوئیه ۱۹۲۰	فرمان احمدشاه به رئیس کل قزاقخانه ایران در مورد گیلان و مازندران (مأخذ ۷ - ص ۸۲)
۹	۹ مرداد / ۱۲۹۹	شنبه ۱۴ ذیقعده ۱۳۳۸	۳۱ ژوئیه ۱۹۲۰	کودتای سرخ بر ضد میرزا - اصلاح دولت جدید به ریاست حسان... خان (مأخذ ۱ - ص ۳۲۳)
۱۰	۱۰ مرداد / ۱۲۹۹	یکشنبه ۱۵ ذیقعده ۱۳۳۸	اول اوت ۱۹۲۰	نامه میرزا به مديوای مدیر امور انقلاب ایران از طرف شوروی (مأخذ ۵ - ص ۲۹۰)
۱۱	۲۰ مرداد / ۱۲۹۹	چهارشنبه ۲۵ ذیقعده ۱۳۳۸	۱۱ / اوت ۱۹۲۰	نامه دوم میرزا به مديوای (مأخذ ۵ - ص ۲۹۵)
۱۲	۳۱ / مرداد ۱۲۹۹	یکشنبه ۷ ذیحجه ۱۳۳۸	۲۲ / اوت / ۱۹۲۰	تصرف رشت به وسیله قوای دولتی و عقب نشینی آن (مأخذ ۷ - ص ۸۴)
۱۳	۶ شهریور ۱۲۹۹	یکشنبه ۲ ذیحجه ۱۳۳۸	۲۹ / اوت / ۱۹۲۰	فاجعه مهاجرت اهالی رشت به تهران (مأخذ ۱ - ص ۳۸۵)
*	۹ شهریور ۱۲۹۹	چهارشنبه ۱۷ ذیحجه ۱۳۳۸	اول سپتامبر / ۱۹۲۰	افتتاح کنگره ملل شرق در یادکویه (مأخذ ۵ - ص ۲۷۲)
۱۴	۱۳ شهریور ۱۲۹۹	دوشنبه ۲۲ ذیحجه ۱۳۳۸	۶ سپتامبر ۱۹۲۰	استقرار مجدد دولت کودتای سرخ (مأخذ ۵ - ص ۳۰۶)
۱۵	۱۵ / شهریور ۱۲۹۹	سه شنبه ۲۳ ذیحجه ۱۳۳۸	۷ سپتامبر ۱۹۲۰	نامه میرزا به یوسف ضیاریگ (نماینده در کنگره ملل شرق) (مأخذ ۱ - ص ۳۸۹)
*	۲۱ / شهریور ۱۲۹۹	دوشنبه ۲۹ ذیحجه ۱۳۳۸	۱۳ سپتامبر ۱۹۲۰	کشته شدن خلبانی و پایان قیام او
۱۶	اول مهر ۱۲۹۹	پنجشنبه ۹ محرم ۱۳۳۹	۲۳ سپتامبر ۱۹۲۰	تخلیه رشت از بلشویکها - ورود و عقب نشینی دوباره قوای دولتی (مأخذ ۱ - ص ۳۹۵)
*	۲ / آبان ۱۲۹۹	چهارشنبه ۱۴ صفر ۱۳۳۹	۲۷ اکتبر ۱۹۲۰	تشکیل کابینه سپهبد اعظم رشتی
*	۸ آبان ۱۲۹۹	یکشنبه ۱۸ صفر ۱۳۳۹	۳۱ اکتبر ۱۹۲۰	بیانیه سپهبد اعظم

۷- تقویم تطبیقی سال ۱۳۰۰ شمسی تا کشته شدن سردار جنگل

ردیف	شمسی	قمری	میلادی	سالنامه
•	۷ فروردین ۱۳۰۰	یکشنبه ۱۷ رجب ۱۳۳۹	۲۷ مارس ۱۹۲۱	اعلامیه ریاست وزراء راجع به الغاء قرارداد ایران و انگلستان (مأخذ ۴ - سند شماره ۸۸ - تصویر اعلامیه)
۱	۶ اردیبهشت ۱۳۰۰	سه‌شنبه ۱۷ شعبان ۱۳۳۹	۲۶ آوریل ۱۹۲۱	ورود روتشتاین وزیر مختار شوروی به تهران (مأخذ ۷ ص ۳۵۲)
۲	۶ اردیبهشت ۱۳۰۰	جمعه ۲۷ شعبان ۱۳۳۹	۶ مه ۱۹۲۱	جشن تاجگذاری احمدشاه و تصفیه سآله کیلان (مأخذ ۷ - ص ۳۶۳)
۳	۲۶ اردیبهشت ۱۳۰۰	دوشنبه ۸ رمضان ۱۳۳۹	۱۶ مه ۱۹۲۱	آشتی انقلابیهای سرخ با جنگلیها (مأخذ ۵ - ص ۳۲۷)
۴	۱۷ و ۱۶ تیر / ۱۳۰۰	پنجشنبه اول ذیحجه ۱۳۳۹	۱۷ ژوئیه ۱۹۲۱	مقدمات تخلیه رشت از بقایای نیروی روسیه (مأخذ ۷ ص ۴۴۴)
۵	۲۳ مرداد / ۱۳۰۰	دوشنبه ۱۰ ذیحجه ۱۳۳۹	۱۵ / اوت ۱۹۲۱	اعلان «کمیته انقلاب ایران» با حذف نام احسان... خان (مأخذ ۵ - ص ۳۲۹ - تصویر اعلان)
۶	۱۱ شهریور ۱۳۰۰	شنبه ۲۹ ذیحجه ۱۳۳۹	۳ سپتامبر ۱۹۲۱	پاسخ نامه میرزا به نامه روتشتاین (مأخذ ۹ - ص ۳۶)
۷	۶ مهر / ۱۳۰۰	پنجشنبه ۲۶ محرم ۱۳۴۰	۲۹ سپتامبر ۱۹۲۱	آخرین جلسه «کمیته انقلاب ایران» - واقعه سلاسر (مأخذ ۱ - ص ۴۹۳)
•	۲ خرداد / ۱۳۰۰	چهارشنبه ۱۷ رمضان ۱۳۳۹	۲۵ مه ۱۹۲۱	سقوط سیدضیاءالدین طباطبایی و خروج او از ایران
•	۱۴ خرداد / ۱۳۰۰	شنبه ۲۷ رمضان ۱۳۳۹	۴ ژوئن ۱۹۲۱	تشکیل دولت قوام السلطنه
•	۱ تیر / ۱۳۰۰	چهارشنبه ۱۵ شوال ۱۳۳۹	۲۲ ژوئن ۱۹۲۱	گشایش مجلس شسورایملی دوره چهارم
۳	۱ تیر / ۱۳۰۰	چهارشنبه ۱۵ شوال ۱۳۳۹	۲۲ ژوئن ۱۹۲۱	اعلامیه معرفی اعضاء کمیته انقلاب ایران بعد از آشتی (مأخذ ۵ - ص ۳۲۷)
•	۱۰ مهر / ۱۳۰۰	دوشنبه اول صفر ۱۳۴۰	۳ / اکتبر ۱۹۲۱	کشته شدن کنل محمدتقی پیمان و پایان قیام خراسان
۸	۱۶ مهر / ۱۳۰۰	یکشنبه ۷ صفر ۱۳۴۰	۹ / اکتبر ۱۹۲۱	گفتگوی نمایندگان میرزا با روتشتاین (مأخذ ۱ - ص ۴۹۷)
۹	۲۲ مهر / ۱۳۰۰	شنبه ۱۳ صفر ۱۳۴۰	۱۵ / اکتبر ۱۹۲۱	ورود سردار سپه به رشت (مأخذ ۱ - ص ۴۹۹)
۱۰	۱ آبان / ۱۳۰۰	دوشنبه ۲۲ صفر ۱۳۴۰	۲۴ / اکتبر ۱۹۲۰	اتمام حجت وزیر جنگ - رضا (مأخذ ۹ - ص ۶۸)
۱۱	۵ آبان / ۱۳۰۰	جمعه ۲۶ صفر / ۱۳۴۰	۲۸ اکتبر ۱۹۲۱	آخرین نامه میرزا (مأخذ ۱ - ص ۵۰۴)
۱۲	۱۱ آذر / ۱۳۰۰	شنبه ۳ آریبه‌الثانی / ۱۳۴۰	۳ دسامبر ۱۹۲۱	کشته شدن سردار جنگل (مأخذ ۱۱ - ص ۴۱۳)



ملاحظه می شود.

## ب - نهضت جنگل در آینه شعر

نهضت جنگل در آینه شعر، گزیده‌ای از مجموعه سروده‌های مربوط به وقایع این نهضت است.

اشعار سیاسی و اجتماعی فارسی، به جامانده از آن زمان وزین و درخور است. برخی اشعار گیلکی زمان مبارزات جنگل هنوز هم کم و بیش نقل محفل کهنسالان گیلانی است. این اشعار با احوال مردم مطابقت و همزمانی داشت و به صورت توجه و علاقه شدید مردم به آنها بازتاب می یافت.

در این بخشی برخی از وقایع و فراز و نشیب و جلال و زوال سالهای حیات نهضت جنگل را در آینه صاف شعر فارسی و گیلکی می بینیم. (به ویژه به نقل از روزنامه های جنگل و ماه خذهای ۵ و ۱۱ و ۳۷)

اشعار گیلکی مکتوب جنگل عموماً با گویس مردم رست و نواحی غرب گیلان است و گزیده‌ای از آنها با برگردان فارسی در این مجمره فراهم آمده است.

### ۱. واقعه کشته شدن مفاخر الملک

واقعه کشته شدن مفاخر الملک در وقایع سال ۱۲۹۵ شمسی به اختصار شرح داده شده است.

پس از این واقعه مصرعیهای گوناگون هم فایده‌ای بر سر زبانها می افتاد گوینده آنها معلوم نیست ولی از این منظومه به خوبی دریافت می شود که مردم کورچه و بازار چگونگی با حاکمان بیگانه نواز به مشیز بر می خیزند. به چند مصرع توجه کنیم:

ای کشته داس و تبر مفاخر

گفتی کنم شق الفصو مفاخر

کسما کنم زیر وزیر مفاخر

تا قوتسول پیدا دگر مفاخر

شادان شود از این خیر مفاخر

افتاد بر چاهت شرور مفاخر

دیندای چه ات آمد به سر مفاخر

(ماه خذ ۲۲ ص ۲۶) این اشعار را از زیر و اجسیر خان کسمایی می دادند. در (ماه خذ ۲۸ ص ۳۷) از شعر مفاخر الملک بعد از کشته شدن، روایت دیگری به صورت چهار پاره در سخن بند پاهمین وزن و قافیه نقل شده است.

### ۲. روزنامه جنگل و ادبیات (فارسی - گیلکی)

در ۱۲۹۶ نخستین شماره روزنامه جنگل ناشر افکار و عملیات...

در این روزنامه نیز از مقالات سیاسی و اجتماعی و خبری اشعار فارسی با عنوان ادبیات و اشعار گیلکی به عنوان ادبیات گیلکی...

ملاحظه می شود. معسرون غالب این اشعار سیاسی و مربوط به مسائل...

از آنها اشاره می شویم.

### ۱. شماره اول

در شماره اول مطابق یکشنبه ۱۹ شهریور ۱۳۳۵...

رایج بود بیش از یک سال پس از روزگرم...

انتخابات دوره چهارم قانونگذاری در موعد قانونی صورت گرفت و ایام فترت بین دوره سوم و چهارم مجلس شورای ملی به مدت حدود ۶ سال تا اول تیر ۱۳۰۰ شمسی طول کشید.

انجام انتخابات مجلس چهارم همواره مورد بحث و مشاجره محافل سیاسی و افکار عمومی در ایام فترت بود.

در اولین شماره روزنامه جنگل زیر عنوان ادبیات منظومه‌ای با امضای کرمانی درج شده و چند بیت آن به فراز زیر است.

این دوره تعیینیه چون دوه چار است؟

این موقع فرخنده دگر موقع کار است

ای غرقه به او هام در عالم خلصه [خلصه]

این ماه دگر آحر ایام بهار است

امروز که باید بشود صلکت آباد

هر کس به خر خویش به هر راه سوار است ...

### ۲. شماره ششم

(۸ مرداد ۱۲۹۶ مطابق سه شنبه یازده شوال ۱۳۳۵)

(سرف الدین الحینی)

دست مزن، چشم به بستم دو دست

راه مرو، چشم دو پایم شکست

حرف مزن، چشم بستم دهن

نطق مکن، قطع نمودم سخن

هیچ مفهم، این همه عنوان مکن

خواهت بی فهمی انسان مکن

لال شوم، کور شوم، کر شوم

لیک محال است که من خر شوم

چند روی همچو خران زیر بار

سر زلفشای بشریت در آرز

### ۳. شماره دهم

(۲۲ شهریور ۱۲۹۶ مطابق یکشنبه ۲۸ ذیحده ۱۳۳۵)

در این شماره زیر عنوان (یک خول جدید) می خوانیم،

که نمایش خول چه با شتاب آمد

توزیع میوش که هنگام انتخاب آمد

رقیب چون ز خلد حسن تقیمازم کرد

دلش به خلد حسن تقیمازم کرد

دلم که بود فیض وجود عشق تقیمازم کرد

هر آنکه دید رخسار خلیل زلف، بگفت

صبا تو حال دلم عرضه کن به حضرت

حرف و غایت و قبل زلفش

ترجمی به زهایب خاندان

در شمال و در جنوبش عادت و ویرانگی  
نی تعصب، نی حیت، نی شرف، نی عار و ننگ  
بارک الله، آفرین، به به، از این فرزادگی  
پند و خشوران بشد پیمان فرهنگی بسوخت  
در عرض بهتان و کذب و تهمت و افسانگی  
چون وزیر از کار ماند اسب می تازد حریف  
عقل رخ می نابد و نه مات از این دیوانگی

و لیک دشمن دیرینه کیمیا آمد  
اسماعیل دهقان در ۱۲۶۶ ه. ش در رشت متولد و در سال ۱۳۲۵ ه. ش  
در گذشته جد پدری او حاجی حسن بانی مدرسه و مسجدی است در بازارچه  
سبز میدان رشت که به مسجد و مدرسه حاجی حسن مشهور است.  
دهقان از آزادیخواهان جنبش مشروطه و از همدردان و همفکران  
مرزا کوچکخان بود. مدیریت چند شماره آخر روزنامه جنگل را به عهده داشت.  
دیوان شعر دهقان در سال ۱۳۳۰ شمسی به وسیله فرزندش فریدون دهقان  
در رشت چاپ و منتشر شد.

۴. شماره یازدهم

(۱۹ مهر ۱۲۹۶ مطابق جمعه دهم ذیحجه ۱۳۳۵)

در این شماره زیر عنوان (ادیات گیلکی) چهارده بیت گیلکی درج شده  
است. اشعار گیلکی روزنامه جنگل عموماً بدون برگردان فارسی است. چند  
بیت اشعار گیلکی این شماره با برگردان فارسی به قرار زیر است:

- ۱) ای گله مردان ویریزید بلبل نبسته دار سر  
وقت رعیتی بامو جقلان بشیدی کار سر
- ۲) مناصفه، مرا بعه بجه کجه بخوردیس  
غوامت ندایم مایه باموی باز سر

۳) کاشتن و پیش کاول زنن مرز بجار او اکودن

فوت کرگدن شوایه خوک پامو بجار سر

۴) تناسبت کردن چه مشکله و جین دوراره سخت تر

قریان بشم بیکاریه، قهوه خانه بازار سر

۵) هر چه بگفتم سر سر مرا بامو آخر به سر

شاعری فقیر ک گوشه نشین زار سر

برگردان:

۱) ای گله مردان اشاره به دهقانان از خویلت بر خیزید، بلبل بالای درخت

نسته است. زمان کار رعیتی فرار میانه است. بچه ها سر کار می رود.

۲) بجه طور مناصفه یا مرا بعه قبول می کنی و بر بستم را بخورده ایم. تاوان را

پداشته ایم و مایه گذاری هم سر بار شده است.

۳) کاشتن و پیش شخم زدن با کاول زدن و باز خوردن بومر شکار در این

نگهبانی و حفاظت شو که از روز کرگدن می خواهد.

۴) تناسبت نهادن خرچ جقدر مشکل و کندن علف مرز با مرز سر

دوم (قریان بشم) سر است.

۵) هر چه بگفتم سر سر مرا بامو آخر به سر

شاعری فقیر ک گوشه نشین زار است.

مخوفه شکار در این است.

۶) کاشتن بجه بزرگ و زجران عوضی کند.

۷) قوام السلطنه بنسبت باز به از مکلان سر

۸) قوام السلطنه بنسبت باز به از مکلان سر

۹) قوام السلطنه بنسبت باز به از مکلان سر

۱۰) قوام السلطنه بنسبت باز به از مکلان سر

۱۱) قوام السلطنه بنسبت باز به از مکلان سر

۱۲) قوام السلطنه بنسبت باز به از مکلان سر

۱۳) قوام السلطنه بنسبت باز به از مکلان سر

۱۴) قوام السلطنه بنسبت باز به از مکلان سر

۱۵) قوام السلطنه بنسبت باز به از مکلان سر

۱۶) قوام السلطنه بنسبت باز به از مکلان سر

۱۷) قوام السلطنه بنسبت باز به از مکلان سر

۱۸) قوام السلطنه بنسبت باز به از مکلان سر

۱۹) قوام السلطنه بنسبت باز به از مکلان سر

۲۰) قوام السلطنه بنسبت باز به از مکلان سر

۶. شماره سیزدهم

(۱۹ مهر ۱۲۹۶ مطابق جمعه ۲۴ ذیحجه ۱۳۳۵)

شعر گیلکی این شماره ضمن کتابه ای شیرین، خطایی تهدید آمیز به انگلیس  
دارد. سه بیت برگزیده آن به قرار زیر است.

۱) هوی زاگان زود ویریزید بشد بجار کتام سر

شیمی بجار اپیاید، آجان بشو حمام سر

۲) اوی انگلیس، اوی انگلیس، نی جانک نمک واسین

کس چماق بیدینی بکمره دوی تی بام سر

۳) تی خرج خورمشت زینم، تی گاز گابیل فکنیم

تربودو دهم بیی، نام ورا، سیام سر

برگردان:

۱) ای بچه ها بر خیزید و به کتام (تاتک در مزرعه برونج) برای بایدن مزرعه

شمار بروید. پدر به سر حمام رفته است.

۲) ای انگلیس، ای انگلیس، ای انگلیس برای کتک خوردن آماده شو، وقتی چماق

از گیلکی را بینی بیکاره به سر بام خود می روی.

۳) به دندانهای پینین تو مشت می زینم و همه دندانهای تو را می ریزیم. ترا

مجبور به فرار می کنیم تا به نام قسمت مرکزی ویشام او سیام ابا بلند بروی.

۷. شماره هفدهم

(۱۲ / آذر ۱۲۹۶ مطابق شنبه هشتم صفر ۱۳۳۶)

در زمان انتشار این شماره کابینه عین الدوله بر سر کار و قوام السلطنه وزیر

داخله بود.

ادیات گیلکی

۱) کالی بر او ان ای بر او ان قرها باید دکان میز

تای گویم من شمه ره چی بامو ایران سر

۲) کالی بر او ان ای بر او ان قرها باید دکان میز

تای گویم من شمه ره چی بامو ایران سر

۳) کابینه بجه بزرگ و زجران عوضی کند.

۴) قوام السلطنه بنسبت باز به از مکلان سر

۵) قوام السلطنه بنسبت باز به از مکلان سر

۶) قوام السلطنه بنسبت باز به از مکلان سر

۷) قوام السلطنه بنسبت باز به از مکلان سر

۸) قوام السلطنه بنسبت باز به از مکلان سر

۹) قوام السلطنه بنسبت باز به از مکلان سر

۱۰) قوام السلطنه بنسبت باز به از مکلان سر

۱۱) قوام السلطنه بنسبت باز به از مکلان سر

۱۲) قوام السلطنه بنسبت باز به از مکلان سر

۱۳) قوام السلطنه بنسبت باز به از مکلان سر

۱۴) قوام السلطنه بنسبت باز به از مکلان سر

۱۵) قوام السلطنه بنسبت باز به از مکلان سر

۱۶) قوام السلطنه بنسبت باز به از مکلان سر

۱۷) قوام السلطنه بنسبت باز به از مکلان سر

۱۸) قوام السلطنه بنسبت باز به از مکلان سر

۱) ای برادران، ای برادران، فر دایه دکان بیاید تا به شما بگویم چه بر سر ایران آمده است.  
 ۲) خائنان کوشیده اند تا خاک سینه بختی بر سر تهران و ایران بریزند.  
 ۳) کابینه راه هم ریخته و وزیران را عرض کرده اند، قوام السلطنه باز بر آن مکان نشسته است. لوزیر داخله شده است.  
 ۴) خاک بر سر چنین وزیری، کار ایران دیگر خراب است به سر کازهایان بروید.  
 ۵) گور ایران را بکنیم و برایش الحمد بخوانیم و از فارس تا گیلان آن را تحویل انگلیس بدهیم.  
 ۶) مانند هندوستان ما را حواز و سر آخر همتای مصر و عمان خواهد کرد.  
 ۷) یا کارها پایان می یابد و یا همگی کشته می شویم و یا اینکه دست او را از ایران و هندوستان کوتاه می کنیم.

پر زخم و بغض و کینه  
 خوب به هم بزه کابینه  
 ده کابینه بی فروغه  
 همه وقت تق و توغه  
 (این دو بند از شش بند پنج تایی درج شده در روزنامه جنگل نقل شده است.)  
 برگردان:  
 ای برادر به تهران برو، وزیران ما را بین تا بدانی حال ایران را که بر  
 هیا هوست، الان وقت سرو و صداست.  
 ۲) انگلیس که سینه پر خشم و کینه دارد، خوب کابینه راه هم ریخته است.  
 دیگر کابینه فروغی ندارد. الان وقت سرو و صداست.

۱۰- شماره بیست

(۱ دی ۱۲۹۶ مطابق یکشنبه ۸ ربیع الاول ۱۳۳۶)

ادبیات

اول سرهای زمستان رسید  
 غلغله از جنگل و بستان رسید  
 کار به کرمی و شبان رسید  
 در نظر این شعر گلستان رسید  
 تازه بهار را وقت زرد شد  
 دیگر منه کانش ما سرد شد  
 شد چه وطن دستخوش این و آن  
 و اوطا عجیب وطن شد عیان  
 و اسفا حسن وطن شد نهان  
 بزر شدی ای وطن توجوان  
 پیش کسی رو که طلبکار تست  
 ناز بر آن کن که خریدار تست  
 (این شش تایی در سه بند سرود شده است.)

۱۱- شماره بیست و یکم

(۱۸ دی ۱۲۹۶ مطابق چهارشنبه ۱۸ ربیع الاول ۱۳۳۶)

در این شماره یک بند شش تایی با قید بقیه دارد درج شده است به قرار زیر:  
 دلا به یار بگو آم و قاله آما را  
 بنامه مهر بگو عاشقان بیقرار  
 به نام دوست بگو ماحزان غریبان  
 خطابه مهر بکنش حضراتان و آلا را  
 صبا به لطف بگو آن غزل رعنا را  
 که سر به کوه و بیابان تر دلفری ما را

۱۲- شماره بیست و چهارم

(۱۷ ربیع ۱۲۹۸ مطابق چهارشنبه ۲۳ ربیع الاول ۱۳۳۶)

ادبیات  
 صحبت در کس تست و کینه

۸- شماره هجدهم

(۱۰ آذر ۱۲۹۶ مطابق یکشنبه ۱۶ صفر ۱۳۳۶)

ادبیات گیلکی

۱) ای گیله مردان ویریزید ترسید از ثوب و تفنگ  
 هر چه شما دارید بارید از بیل و گرباز و کلنگ  
 ۲) شمه چانه نازم باید اگر نارید داس و نیر  
 تشویش ناره شما را فادیم تفنگ و موزر و فستنگ  
 ۳) دانید چره سارا گویم باید همه با اسلحه  
 تا که ایجا بدو بدیم انگلیسه تا به فرنگ  
 ۴) دشمن ایرانیان تشکیل بداپلیس جنوب  
 بتازگی زاندره در مغرب ایران هورنگ  
 ۵) پس باید همت بکنیم ثوب و تفنگه اوسانیم  
 هر جا بده ایم بکشیم باقی بترانیم به جنگ  
 برگردان

۱) ای مردان گیل به پا خیزید از ثوب و تفنگ نهر اسید. هر بیل و کلنگی که

دارید با شما بیگورید.

۲) گیلانیان به شما می نازم. اگر داس و تفنگ نماند بگورید.

۳) دلید جرایه شما می گویم با اسلحه بکشیم ای آنکه انگلیسها را تا

به دشت ارمی دهیم.

۴) دشمنان پلیم بگورند تشکیل داده استند به کلنگ و بیل

ایران را به کوه و بیابان ما می آید.

۵) پس باید همت بکنیم ثوب و تفنگه اوسانیم

هر جا بده ایم بکشیم باقی بترانیم به جنگ

برگردان



ز زلف و خال و خط خویش روزگارم را

بپرس تا که بدانی چگونه غم خیر است  
سحر ز کوی تو باد صبا بنارت داد

که صلح ما کس مالیتها رضایت آمیز است  
صبا بگو به (نقی زاده) و (وحید الملک)

عروس صلح چه شیرین سوار شیدین است  
بگوبه مجمع حویان شهر استکهلم

نظر به ملت ایران نرحم آمیز است  
شنید هر که جو (محزون) ز دیده خون ریز است

منظور از (هاکسی مالیتها) طرفداران نظریه پلشویکهاست.  
کاظم محزون (متوفی ۱۳۶۹ ه. ش.) با مشروطه خواهان همگام و هم‌رزم بود.

در زادگاهش شهر ننگرودان جنسی به نام (جمعیت بیداری افکار) تاسیس کرد و با سرودن اشعار و ترانه های وطنی گامهای مؤثری در مبارزه با جهل و خرافات برداشت.

### ۱۳. شماره بیست و پنجم

(۱/ اسفند ۱۲۹۶ مطابق چهارشنبه ۸ جمادی الاولی ۱۳۳۶)

ادبیات

چند نالی از جفای دهر و از کین فلک

چند گویی از قضای چرخ و از کید نجوم

نیست مرید بختیست را دور گردون ملزوم

نیست مر بیچارگی را کید چرخ دون لزوم

نیک و بد تاثیر اعمال بد و نیک تواند

نی زین دان شاد باش و نی زاهریمن ملوم

ملک ساسان گرنه سرتاسر خراب است ای ملک

از چه در بنگلگش روس آشیان کرده است بوم

تولت روس از دیو پنهانی به غیرت بنگر دین

بشماره ۱۳ شماره ۱۳۳۶ (۱۳۳۶) در روزیوم

تنگلیس اهاجر کش بس ورنه در بنگلگش

بگویی که در محو بنیاد شایسته است در بنگلگش

بگویی که در محو بنیاد شایسته است در بنگلگش

بگویی که در محو بنیاد شایسته است در بنگلگش

بگویی که در محو بنیاد شایسته است در بنگلگش

بگویی که در محو بنیاد شایسته است در بنگلگش

بگویی که در محو بنیاد شایسته است در بنگلگش

بگویی که در محو بنیاد شایسته است در بنگلگش

بگویی که در محو بنیاد شایسته است در بنگلگش

بگویی که در محو بنیاد شایسته است در بنگلگش

بگویی که در محو بنیاد شایسته است در بنگلگش

بگویی که در محو بنیاد شایسته است در بنگلگش

بگویی که در محو بنیاد شایسته است در بنگلگش

بگویی که در محو بنیاد شایسته است در بنگلگش

بگویی که در محو بنیاد شایسته است در بنگلگش

بگویی که در محو بنیاد شایسته است در بنگلگش

بگویی که در محو بنیاد شایسته است در بنگلگش

بگویی که در محو بنیاد شایسته است در بنگلگش

بر زده آسان رده که ره برای آه نیست

تابه گرویدن بر شده از پشت کاخ خسروی

بانگ جوع ملت بیچاره کس آگاه نیست

پادشاهها سلطنت فرغ است و ملت اصل او

ملت از نبود بقایم بهر تاج و گاه نیست

اجنبی تایشگاه سلطنت شعیر کش

یک تنه تازان کسی رازین عمل اگر اه نیست

کار ما از دست ملک و دولت ها گشته خراب

شاه مانسبت به ما بد نیست و بدخواه نیست

هان وزیران میل ما شرط است در شغل شعا

ورنه همراهی لندن گاه هست و گاه نیست

چاره بیچاره گئی، دوش از خرد بگفت

چاره جز در محو جمعی خاشن و گمراه نیست

حزم تیموری نباید یا که تصمیم مغول

غیر از این دره شق ثالث بهر باد افراه نیست

در همین شماره هشت بیت شعر گیلکی با اعضای (جنگلی بران) به وسیله

یکی از ادبای جنگل زبست بخشی روزنامه شده است. عنوان و سه بیت گزیده

آن به قرار زیر است.

سوقات

۱) ای برادران جنگلی چی خوب چه بنا و برشتیدی

تخفتیدی تا شودی بهشت تان بنیشتیدی

۲) دشمنان خانگی امه خوانانه (نیشه نا.

دکو دیدی بواخور دیدی، او دشیدی، و التشیدی

۳) را دکفید خدا شمه پشت و پناه همه جا

هر چی می دل دعا داره، اگر بگویم نوشتیدی

بر گردان:

۱) ای برادران جنگلی چقدر خوب شد از جا بلند شدیدی. نخواستید تا به

بهشت رفید و آرام گرفتید.

۲) این دشمنان خانگی خون ما را در شیشه ریختند، مکیدند و لیسیدند.

۳) خدا بیست و نه دعا داد و نه بیفتید. اگر هر چه در دل دعا دارم بگویم آنها

رامی نوشتید.

شماره بیست و پنجم (۱۳۳۶)

شماره بیست و پنجم (۱۳۳۶)

شماره بیست و پنجم (۱۳۳۶)

شماره بیست و پنجم (۱۳۳۶)

شماره بیست و پنجم (۱۳۳۶)

شماره بیست و پنجم (۱۳۳۶)

شماره بیست و پنجم (۱۳۳۶)

شماره بیست و پنجم (۱۳۳۶)

شماره بیست و پنجم (۱۳۳۶)

شماره بیست و پنجم (۱۳۳۶)

شماره بیست و پنجم (۱۳۳۶)

شماره بیست و پنجم (۱۳۳۶)

شماره بیست و پنجم (۱۳۳۶)

شماره بیست و پنجم (۱۳۳۶)

شماره بیست و پنجم (۱۳۳۶)

شماره بیست و پنجم (۱۳۳۶)

شماره بیست و پنجم (۱۳۳۶)

شماره بیست و پنجم (۱۳۳۶)

شماره بیست و پنجم (۱۳۳۶)



مردان زجان و سرگذشته  
گشتند چو رهنمای جنگل  
آسایش و امن سایه افکند  
از فر برهما جنگل  
ای خسته ظلم و جور بر خیز  
عدل است همه بنای جنگل  
جنگل چو به جمله فخر بخشد  
نرفس است مرثای جنگل  
جز لفظ نبود آنچه گفتند  
معنی طلب از صدای جنگل  
خوشتر ز نوای بر بطل و ساز  
آواز فتنگهای جنگل  
دانش همه نصر و فتح بید  
در پرجم اعتلای جنگل

خسرو اادانی که اندر خوانگاه داربوش  
دیو نندن خواب بیند جنگل مازندران  
در این شماره زیر عنوان ادبیات گیلکی دوازده بیت شعر گیلکی با مطلع  
زیر درج شده است.  
ای گیله مردان به خدا ازه بایدمی حرفه سر  
زارع و کاسب و فقیر گوش بکنید همه نفر  
برگردان مفهوم چند بیت آن بدین قرار است:  
ای مردان گیل از زارع و کاسب و فقیر همه کمی به حرف ما گوش دهید.  
شرط این است که به حرفهای ما عمل کنید نه اینکه مانند حرفهای دیگر آنها را  
پشت گوش بیندازید. بی گفتگو دو چیز موجب ترقی ماست، علم و نیرو. اگر  
این دو چیز را داشتیم دیگر انگلیس یو طمع نمی تواند بازور و خاک مازندران و رو  
کند.

**۳- جنگ منجیل و یادای از شاعر شهید**

در شرح حوادث سال ۱۲۹۷ مربوط به جنگ منجیل از کشته شدن شاعر  
جوان و با احساس محمود خان ژولیده ذکری به میان آمده است. با نمونه ای  
برگزیده شده از اشعار مبهتی او آشنایی شویم.  
ای وطن اندر جهان به جز تو محبوب نیست  
غیر تو معشوق نیست به جز تو مطلوب نیست  
به چون تو جذاب کل کیست که مجذوب نیست  
کسی که اندر رخت شهید و مصلوب نیست  
بود مکاتلش به حشر، دوزخ و دار الیوار  
ز عشق ایران مدام کورس انالحق رنم  
به افتخارش به سر شهر املق رنم  
به دوستان مر حیا به دشمنان دق رنم  
سخره به اقدام کم ضنه به اسبق رنم  
تا که ز نند ز کین به دار منصور روار  
خیال دیو دغا ست ریودن از مانگین  
بفاق و غفلت چرا به خاک باشد عجین  
منافق و فتنه چو شدند بر ما امین  
ز چار جانب حطو نشسته اندر کمین  
شرنگ شد آنگه به کام هر مو شیار

**۱۶- شماره بیست و نه (۲ اردیبهشت ۱۲۹۷ مطابق دوشنبه دهم رجب ۱۳۳۶)**

در این شماره منظومه ای شامل یازده بند پنج تایی (خمس) با امضای  
(دهقان) درج شده و دو بند آن به قرار زیر است:  
ادبیات  
آه که خصم جنوب، عریده آغاز کرد  
شکست قانون رحم، مخالفت ساز کرد  
کینه دیرینه را عاقبت ابراز کرد  
به روی ایرانیان در شرم باز کرد  
گه به دغل از جنوب گه به حیل از شمال  
غیر پدید ایرانیان حال وطن شد پریش  
چو عفرت این ناکسان ز نند او را به نشو  
بچه به بلخ ما آمدند گرگان در جلد میش  
ما را باید شویم بیا در کار خویش  
کوشیم بر جنگل ملک و لایم و ربال

**۱۷- شماره سی و یکم**

۱۷- در دیهشت ۱۲۹۷ مطابق پنجشنبه ۲۱ رجب ۱۳۳۶  
در این شماره با عنوان (این چند بند پیشی است) ضمن اشاره به  
کشته شدن محمود خان ژولیده چندین فریاد قحطی از تمام ایران و در دعوت دانش  
و سلطنت در دست سفیر انگلیس در پایان این منظومه  
منظومه مطهر شامل دوازده بیت درج شده است. چند بیت آن به قرار زیر است:  
کاخ حاجی کتت حمیدت اندر و شیر و  
طالع کوشی شد لگد کوشه ستور اجن  
دختر سوزن شد زلف منگوست چون در  
فار عیدت ای صمیمی و بند ملامت  
باید که در دست تو باشد شایع  
باید که در دست تو باشد شایع  
باید که در دست تو باشد شایع

**۴- میرزا حسین کسمایی و نهضت جنگل**

میرزا حسین خان کسمایی (۱۲۴۲-۱۲۹۹) که در سال ۱۲۹۴ به نهضت  
جنگل پیوست و از دومین شماره نهضت جنگل تا حدود چهارم شماره  
تدبیریت آن را به عهده داشت. در نخستین زیری وثوق الدوله پس از تعیین و  
تسلیم حاجی احمد کسمایی به علت در دستگی جنگل باز آمدن کسمایی با  
میرزا حسین خان کسمایی (۱۲۴۲-۱۲۹۹) که در سالهای اول نهضت کسمایی  
میرزا حسین خان کسمایی در این نهضت کسمایی رفیع و  
سرورده هایش زیاد دانشش و مهربانی و سخاوتش در میان مردم و ستایش  
عموم مردم و فرهیختگان است.

جنگل اناره می شود.

هنگامی که حاجی احمد کسمایی به وسیله برادرش در نهان از وثوق الدوله نخست وزیر وقت تا مین گرفت (۶ اسفند ۱۲۹۷) و از میرزا جدا شد میرزا حسین خان کسمایی با اشعار گیلکی به توصیف رویاهای شاه طلبانه حاجی احمد کسمایی پرداخت و او را از افتادن به دام دشمن بر حذر داشت.

(۱) چه از نسیم فاکبیم قزوین و طهرانه عمو

چه اور نسیم فوخو نسیم ملک خراسانه عمو

(۲) همه راهه نیشابیم پاکار ایجا، راهدار ایجا

به فغان اوریم جمنه افغانه عمو

(۳) بروره گفتنه جمله فغان می شنه

و اجور پلا کونیم جمله ایرانه عمو

(۴) ایجا، نه دیسی می ایلجاره فاندیری

من حسین کاتیم و دست می کاشانه عمو

(۵) آسیابم مر و کیلانه همه خوردا کنم

نونکه می نگاز ده نینه میرزا کو چکخانه عمو

پر گردان:

(۱) این راه می رویم قزوین و تهران رافتح می کنیم ای عمو و از آن راه به ملک خراسان هوا می شویم ای عمو.

(۲) در هر راهی یک پاکار و یک راهدار می گماریم و کشور افغانستان را به فغان می آوریم.

(۳) برای برادر گویم که تمامی فغان مال من است و باید این طور به شاک کشورم وسعت ببخشم ای عمو.

(۴) این مزایع و اجتماع بسیاری از راهبای مرا که به راه انداخته ام می بینی، من حسین کاشی هستم و رشت کاشان من است ای عمو.

(۵) من مانند آسیابم و نعام گیلان را خورد خواهم کرد. آنکه دندانم به او کارگر نیست میرزا کو چک خان است ای عمو.

(۱) واناره بابونی تا آبه انگور بویو خه

و ادیگه فو بزنی تا اگر سور بویو خه

(۲) و اشیمه ملک نادید مانه قاید

جانه فادیدینی صدا تام تول یزه چشم شما کور بویو خه

(۳) اردنانس بگو چه فردا صبه زود نیمزگره

قامی جوم و ابو بوخه و اغوی شیور بویو خه

(۴) سلام بدید از چپ و راست بیرو جوان

هر کی بی هر جا ایا از خود قوسور بویو خه

(۵) پارلمان حاجی، وزیر حاجی، سنا حاجی همه

بعد از این کرناف عرو اجای طنبور بویو خه

(۶) ظاهر آگوبید که من احمد لای تصرف

منصرف هر که فتنه ی خوره بحر بویو خه

پر گردان:

(۱) باید ناور انگد بزنی که آب انگور به دست آید و باید زیر دگرگنم افوت کنی تا سورمان راه بیفتد.

(۲) باید منکتن را بدید، مال و جانان را هم بدید، بی خدای آرام چشممان هم کور.

(۳) ای اردنانس (سوار امری) بگو از فردا صبح زود تا یک و روشن تا چشم از خواب نیم باز شود باید صدای شیور بلند شود.

(۴) باید بیرو جوان از چپ و راست به من سلام بگویند، هر که و هر جا باشد اگر چه شخصی قوسون باشد.

(۵) حاجی هم پارلمان، هم وزیر و هم ستاست و بعد از این به جای کرنا باید صدای طنبور به گوش برسد.

(۶) گویایمی گویند که من احمد، غیر منصرف، هستم، هر کس منصرف باشد طبعاً منصرف خواهد بود.

(۱) حاجی نی پای دیجه کنده و کاوله بیدین

قوی او جوش و حروش بیچاره بلبل بیدین

(۲) اسپله آب درون گیر بو کرده مانک میان

خوره دست و بازنه انی ثغافله بیدین

(۳) حاجی! گیسو نره باور تو بوخه باور ناری

تی کله سره میان موقع کاکله بیدین

(۴) حاجی تو ترا بوکوشی میرزا کو چک خان نهی

ای خدا میرزا به پایان تحمسه بیدین

پر گردان:

(۱) ای حاجی، جلو پایت کنده و کاول را نگاه کن، درگیر و دار این کشاکش به بلبل بیچاره توجه کن. (کاول به فتح و او گاو آهن معمول گیلان است).

(۲) اسپله (های قوی دهن گشاده) در میان آب، وسط دام گیر افتاده است. دست و پامی رند، نغافش را بین.

(۳) ای حاجی به گیسو باوری ندانسته باشی اگر باور نداوی در میان سر کچلت وضع کاکلت را بین.

(۴) حاجی اگر خودت را بکنی میرزا کو چک خان نمی شوی، خداوند! ببین حیر و تحمل میرزا چه اندازه است.

### ۵- فاجعه مهاجرت اهالی رشت به تهران

در شرح سالنامه حوادث سال ۱۲۹۹ فاجعه مهاجرت اهالی رشت به تهران شرح داده است.

ساروان حسام الاسلام دانش که خود یکی از این مهاجران بود، در قصیده چهل و یک بیتی فاجعه این مهاجرت را به خوبی توصیف کرده است.

(۱) به سال سیصد و سی نه، پس از هزار یکی

بزرگ سانحه ای رخ نموده در گیلان

(۲) شماره ای ژانویه به آسما افتاد

بنیان زبجر خزر گشت آشتی سوزان

(۳) لوطیخ آتش دانی که خفتک و ترشورد

به سوخته هر سوخته خشک ها ز سطله آن

(۴) به نام عدل چو زنگی که خورشید

به اسم داد که بیدار بود و همه امان

(۵) نصای انزلی را بر ظلم شده تیره

فنگ ریخت ز تیره و فنگ چون باران

(۶) سیاه گشت همی بخت ملا باران سخت

و سی کتاب در راه نیز گشت نشان

(۷) چه گویمت که حسن زود رو شده

قوسون با کله فر افان جنگی ایران

(۸) فروت جنگ شفا رود گشت گم

کرکت فتنه همی شهوار و آبه میان

- (۳۱) هر آن نساد که سر برزند زهر نقطه  
زمرکز است همانا طلوع و جنبش آن
- (۳۲) خراب گشت همه شهرهای چون منو  
ز ظلم از پی آبادی ری و طهران
- (۳۳) چه شد نتیجه آبادی در زمستان  
گل غبار مگر پی اندر بهار و تابستان
- (۳۴) من از هزار یکی گفته ام که واپایی  
نو خویش را چون گل تازه از جفای خسان
- (۳۵) مر این حقیقت گفتم که حکم غالب راست  
اگر چه نیست فلک خالی از مه تابان
- (۳۶) ز خوشنویس و ارباب و ادیب و دانستند  
ز فیلسوف و طیب و خطیب سحر بیان
- (۳۷) ز شاعر و ز منجم ز عارف و زاهد  
ز انظار یگانه ز دیلماس زمان
- (۳۸) ز مشایخ جراید ز واعظان فصیح  
ز عالمان فقیه و ز حافظ قرآن
- (۳۹) ولی چه سود که کس قدرشان نمی داند  
فرشته رانهد قدر و قیمتی حیوان
- (۴۰) بلی غیاث نظام آن بلند همت راد  
به تاخت رحش مروت بسی در این میدان
- (۴۱) به طیب عود و به عرق گرم نمود پدید  
به قول و فعل بسی حجت و بسی برهان
- شیخ حسن متخلص به دانش و ملقب به «حسام الاسلام» در دوره اول  
نماینده مجلس شورای ملی از دست بود. این خطیب دانشمند در هشاد سالگی  
در ۱۳۰۷ ه. ش. وفات یافت. دیوان اشعارش در سال ۱۳۲۵ ه. ش. به همت  
.....

- (۹) به روز هشتم ماه صفر به آدینه  
نمونه ای ز قیامت پدید گشت و عیان
- (۱۰) برون شدند چو دیوانگان گروه گروه  
زیم جان همه از شهر بی سرو سامان
- (۱۱) برهنه پا و پریشان خیال و کیه نهی  
نه رای پیرجا مانده نی نوان جوان
- (۱۲) زنان بیوه و اطفال بی پدر همگی  
دوان زیم اسیری ز دیده اشک فشان
- (۱۳) به کوه و دشت فکنده زنان آبستن  
زار ظلم همی باز زنده نی پی جان
- (۱۴) فرار کرده به یک شکل عالم و عالی  
به جانمانده در آن ملک هیچیک زاعیان
- (۱۵) همه رداغ و وطن گفته بادل بر خون  
همه گذشته ز ملک و ز خانه و دکان
- (۱۶) زنان گمشده فرزند جفت ناله و آه  
هر طرف پی گمشدگان چواشک روان
- (۱۷) پدر ز حال پدری خبر که تا چون شد  
پدر ز حال پر روز و شب همی پرممان
- (۱۸) بسی عجوزه و بس طفل مانده از رفتار  
بهر کناره ز پا و فتاده و حیران
- (۱۹) زیم خواب ز چشم همه گریخته بود  
که شب چه زاید این مادر سهستان
- (۲۰) ز رو دیار و ز منجیل و باد آن بگذر  
که شرح می نتوان کرد رنج و زحمت آن
- (۲۱) رسید رشته آوارگان در قزوین  
.....



«نه یک سواره او از پیاده پرسد حال نه سیر گشته زنان، بر گرسنه بخشد نان»  
این کجور فتاری و ناهمسازی یادآور قحطی های سالهای ۱۲۹۵، ۹۶ ش در  
تهران است که در شرح زندگانی من جلد ۲، ص ۲۹۴ عبدال... مسترفی و طهران  
قدیم جلد اول ص ۱۵۱، ۱۴۸ جمعرف شهری به تفصیل وصف شده است. شادروان  
ابراهیم فخرایی در این باره نوشته است:

«در تهران قحطی و هرج و مرج حکمفرایی می کرد. طبقات بی بضاعت  
از غلف بیابان و پوست خیک و لاشه حیوانات تغذیه می نمودند و برنج و گندم  
و جو نایاب بود... جنگلیها دو بیست خروار برنج... برای مردم نیازمند قحطی  
زده طهران فرستادند و تمهید کردند ماهیانه دو هزار تومان... به نفع در ماندگان  
و قحطی زدگان پیر دازند...» (ماه خذ ۵، ص ۱۰۳)

### ۶- نامه منظوم به میرزا کوچکخان

در گیر و دار مبارزات جنگل امام جمعه لیمونجو از قراء تابعه رودسر نامه  
منظومی مشحون از ترغیب و تشویق و در عین حال عتاب آسبز برای  
میرزا کوچک خان می فرستد چند بیت آن به قرار زیر است.

خاک ایران تو باشد زیر سم اسب دشمن  
تابه کی ای شیر بنمودی تو اندر پیشه مسکن  
خطه زیدق سرا و گوشه گرداب زرمخ  
کوه فاف است این ظلم جاودان یا چاه بیژن

مردم از شاه و وزیر و دیگران مایوس اما  
حمله بر آند کی ملک از تو خواهد گشت گلشن

ملت ایران به امید تو تو توی جنگل  
خار ناید چون تویی راروز و شب آسوده خفتن  
کله پر شور باید مردم رزم از ما را

بالله اندر جنگ ناید پیروی عقل کردن

### ادبیت جنگل و والده شاعر

همزمان با پیاده شدن ارتش شوروی و حاکم ایران و کودتای سرخ  
طردن فرزندان شوروی در مرداد ۱۳۹۹ هـ. ش و در پی تحولات  
مقامی و تندروییهای ناهنجار امور مردم را متحمل گردیدند.  
شاعر ترک زبان رشت، متخلص به والده در آثار همه این او شاعر  
از روش کلام میرزا چنین سروده است:  
کجاست که لعان ما برید نموده است

شهر شما را از دست ما بردند  
بهر وطن برآید کرده

تیرق سبزش چرخ مورخین منحرک  
سریه کف و پایه شامراه جنگ

چون این جوبل بسنگ طرد نموده  
بهر وطن برآید کرده

بهر وطن برآید کرده  
بهر وطن برآید کرده

### ۸. کشفه شدن میرزا او خانمه نهضت جنگل

فرهنگی آزاده گیلانی شادروان خلیل دانش پژوه با مشاهده سر بریده میرزا  
تصفیف زیر را در مایه ابو عطا سرود و معالهاست که زمزمه آرام آن بر لبان آزادگان  
گیلانی همراه با چند قطره اشک ادامه دارد.

غیر تنم توان و قرار است  
در دل مرا ز کرده ات شرار است  
در سینه ام ز شیوه ات خیار است  
نی در خورشان تو شهر یار است  
میر وطن اتو آباد نمیشی  
ایدل زگر شاد نمیشی  
این سرکه سر بلند و مه جبین است  
یا آفتاب و طالع زمین است  
خاکش ز عشق ابوطن عمجین است  
انصاف ده که مرد سر نه این است  
این قهرمان مدافع وطن بود  
لشکر کش و شجاع و صف شکن بود  
یزدان صنعت به جنگ اهرمن بود  
کی مثل مابه فکر ما و من بود

قرار است  
شرار است  
خیار است  
یار است  
ملت اتو آزاد نمیشی  
چرا که ما ملولیم جهولیم  
جبین است  
زمین است  
عمجین است  
نه این است  
وطن بود  
شکن بود  
رهن بود  
و من بود

### ۹. میرزا کوچک خان و شعر

میرزا غزل زیر رابه حاج شیخ یوسف نجفی گیلانی روحانی معروف  
رشت تقدیم نموده است:

هوالمحن  
گو، هر کجی در عالم بودی چو ابروانش  
دیگر تو راستی راه یکسر سانهانش  
با آه آتشیم، از آب دیده نبود

باسوختن دو گیتی، با غرق آبادانش  
بین دو کمان کعبین کرد، دل رابه تیر مزگان  
ارجان بود هزارم، باد ابدان نسانش

در زیر تیغ نبوش شادم بود سرم را  
از دوری سخن تو در آستان نشستم  
چون که می کشاند، موری در آشیانش

بهر وطن برآید کرده  
بهر وطن برآید کرده

بهر وطن برآید کرده  
بهر وطن برآید کرده

بهر وطن برآید کرده  
بهر وطن برآید کرده

بهر وطن برآید کرده  
بهر وطن برآید کرده

بهر وطن برآید کرده  
بهر وطن برآید کرده



برگردان:

گیسور برای آویزان شدن بافته و برای دست و پا گیر شدن نبوده است. دل من در این میان بسته شده است. برای بسته شدن و باز شدن [گیوه‌های] تو بصرم.

شادروان فخرایی نقل کرده است: که میرزا به انتصار فردوسی علاوه خاص داشت و در گوراب زرمخ مرکز تاسیسات نظامی جنگل جاسه‌های منظمی برای قرائت شاهنامه فردوسی ترتیب داده بود و چند بار از میرزا این شعر را شنیده است. اگر چه فرش من از بوریاست طعنه مزن چرا که خوابگاه شیر در نستان است.

### ۱۰. ملک الشعراء بهار و نهضت جنگل

پس تردید ملک الشعراء بهار (۱۲۶۴-۱۳۳۰ش) از شاعران نامدار و استادان گرانقدر ادب فارسی است ولی گاهگاهی در کشمکشهای سیاسی و روزنامه‌نگاری از اشتباه‌گناه آلود و دودنی و دورویی برخوردار بود. یکی از اشتباهات بزرگ سیاسی بهار این بود که در حمایت و تجلیل از سیاستمدار بدنامی مانند وثوق‌الدوله از نهضت جنگل و میرزا کوچک خان به عنوان دولت دزدان یاد می‌کند. چند بیت از قصیده چهل و چندبیتی بهار در این باره به قرار زیر است.

۱) شد به ایقان شهنشه ختم کار جنگلی

جنگل از خلخل و طارم امن شدن از نری

۲) دولت دزدان جنگل سخت مستعجل فساد

دولت دزدی بی باشد بدین مستعجلی

۳) اصاحب اعظم وثوق دولت عالی نسب

مشهور در مقبلی، ضرب السنان در خاقلی

۴) تو مرا خواهی که اندر نظم شخص اولم

من ترا خواهم که اندر عقل شخص اولی

شادروان زنده یاد اکبر بیبه وراز گیلانیان علاقمند به تاریخ گیلان، آنکه در مروده از بهار گیلان تا بهار خراسان در سال ۱۳۳۱ به مناسبت یاد همین سال مرگ مرحوم بهار عرضی ارداتی نموده بود در سال ۱۳۳۶ در پاسخ قصیده استاد بهار قصیده‌ای در چهل و چند بیت با همان وزن و قافیه سرود. به چند بیت از آن اشاره می‌شود.

ای که گاه از عبیدرحمن دم زدی گاه از علی

حاصل اینک زان دوروی چیست جز بی‌حاصلی

۱) جنگلی را دزد خوانندی زان فریقین،

از لجاج تانیننی فرق بین دزد و بین جنگلی

۲) تو بانی کیست؟ آن گندم نمای جو فروش

کش بیوج اندر سخن راندی و خوانندی یللی

از استمال پیشه مدح، از شیر جنگل طعن و فلاح

مزحی صاحب توازی، چند صاحب دلی

خود همان شاه نگون بخت است کاندر العین

بعد خلعتش منصف کردی بد ضعف و مهملی  
در مورد قرارداد وثوق‌الدوله با انگلستان و حمایت اشتباه امیر شادروان بهار از وثوق‌الدوله و قرار داد او مطالب مذکور در (ماه خند ۱۴، ص ۱۱۰، ۱۱۵) بسیار قابل توجه است. زود عین مستعوط کاینه وثوق‌الدوله و عقیم ماندن قرارداد می‌خوانیم و به بیگانه ورود شاه مژدم از بیرون دروازه قزوین تا در تبراندرون همینکه اتومبیل شاه به آنها نزدیک می‌شود فریاد می‌زدند مژده باد قرار داد مرده باد عاقدین قرار داد

مرده باد و وثوق‌الدوله... به طوری که خود انگیزه‌ها هم اعتراضات نموده‌اند برای عقد این قرارداد یکصد و سی هزار تیر خرد کرده بودند که از این مبلغ دو بیست هزار تومان به وثوق‌الدوله و صد هزار تومان به نصرت‌الدوله و صد هزار تومان هم به مصارم‌الدوله و زیرمالیه وقت و مقدار هم بین مدیران جراید موافق و سایر اشخاص منتفعی که طرفدار قرارداد مزبور بودند قسمت شد...

مرحوم دهخدا در حاشیه نسخه‌ای از کتاب زندگانی احمدشاه (ماه خند ۱۴، ص ۱۱۳) که در کتابخانه خودشان برده است به خط خود نوشته‌اند: «زین العابدین رهنما (شیخ‌العرفین زاده) ۲ سید محمد تدین ۳ ملک الشعراء بهار ۴ سیدضیاءالدین ۵ بیک نهر تاجر سیاسی که بعدها وکیل دماوند شد، فعلاً نامش را فراموش کرده‌ام (گو یا کسرایی) ۶ علی دشتی مدیر روزنامه شفق بودند. از پول مزبور به منی نفر فوق داده نشد... به ایشان اجازه صدور مقدار کثیری خاور و بار و کفش داده شد و آنها آن اجازه نامه‌ها را در بازار تهران فروختند هر کدام چند هزار تومانی پول به دست آوردند که تدین خانه شهری و تجریش را از آن پول خرید و ملک الشعراء خانه شهری خرید. امضاء (عنی اکبر دهخدا)

### تصنیف جنگل و قرانه گل پامچال

مجله گیمه و شماره اول صفحه ۱۱ قرانه گل پامچال بر اساس اهنگ تصنیف جنگل و به منظور زنده نگاه داشتن نام و یاد سردار جنگل در سال

۱۳۳۰ش سروده و ساخته شده است.

۱. چقد جنگلان خمی، ملته و می

خسته نیوستی، می جانه جنانان

تره گوما، میرزا کوچک خانان

۲. میا جنان می در جیا، سوندیری کجا

سردار شجاع، می جانه جنان

تره گوما، میرزا کوچک خانان

۳. چره تندتر نیی ده، زو قدر نامی ده

گردش کنی بی، او جوز جوران

تره گوما، میرزا کوچک خانان

۴. بیامی روچه روان، نی ریشه قربان

بهم نوانان، نی کاسه چومانان

تره گوما، میرزا کوچک خانان

۵. شاعرارشته جقلان، اسیم تی فرمان

کنیم آمی جان، نی باجیر قربانان

تره گوما، میرزا کوچک خانان

خخدا دانه، نتانیم خفتن

از دست دشمن، امی دل آویزانان

تره گوما، میرزا کوچک خانان

۷. امی دل بترکس، ملنا فارس

قریاد ابرس، تی چوما قربانان

تره گوما، میرزا کوچک خانان

۸. همه کفن دکودیم، نونگ اوسادیم

حاضر اکودیم، امی جوانان

تره گوما، میرزا کوچک خانان

ترجمه فارسی

۱. چقدر در جنگلهای حوایی، برای ملت

حسنه نشدی، ای جان جانان من  
 به تو می گویم، ای میرزا کوچک خان  
 ۱. ای جان پیش مایه، ای سردار تجاع  
 به کجا می روی، ای جان جانان من  
 به تو می گویم، ای میرزا کوچک خان  
 ۲. چرا تندتر نمی آیی، زود نمی آیی  
 بالا بالاها ادر کوه آگردش می کنی  
 به تو می گویم، ای میرزا کوچک خان  
 ۳. ای روح روان مایه، قربان ریش تو  
 چشمان آبی تو ایتم نگذار  
 به تو می گویم، ای میرزا کوچک خان  
 ۴. مایه های رشت، در فرمان تو هستیم  
 جان ما را از ز بر پای تو فرمائی می کنیم  
 به تو می گویم، ای میرزا کوچک خان  
 بخدا می داند، نمی توانیم بهواییم  
 از دست دشمن، دهنای ما آویزان است  
 به تو می گویم، ای میرزا کوچک خان  
 ۵. لادن نگرانیم، به داد ملت برس  
 به قربان او رسیدگی کن، قربان چشم تو  
 به تو می گویم، ای میرزا کوچک خان  
 ۶. همه کفن پوشیده ایم، تنگ برداشته ایم  
 جوان خود را حاضر کرده ایم  
 به تو می گویم، ای میرزا کوچک خان

غنچه واکوده، غنچه واکوده،  
 بلبل سردار، بلبل سردار  
 عزیز فصل بهار، ای چشمان گوشه دار،  
 تره خالی مزه دار، الان موقع کار  
 ویریز کاول اوسانیم، دانه واشانیم، امی تو مبخارا  
 (۱)

ماتاب شبان، ماتاب شبان،  
 آیما آیم، آیما آیم،  
 آیم تی کونی ور، آیم تی کونی ور  
 تره قربان، تره قربان،  
 تی چما حیران، تی چما حیران،  
 تی بلا یعنی سر، تی بلا یعنی سر،  
 بشم قربان دلیر، بلاگردان دلیر،  
 می هم پیمان دلیر، می عزیز جان بار  
 ویریز کاول اوسانیم، دانه واشانیم، امی تو مبخارا  
 (۲)

آفتابه گله، آفتاب گله،  
 بیرون بامو، بیرون بامو،  
 ده ویری ویری کرده ویری ویری کر،  
 چه خروسخوان، چه خروسخوان،  
 می آرام جان، می آرام جان،  
 گردم تی خانه دور، گردم تی خانه دور،  
 ویری می آرام جانا، بنارم تی ترگسانا،  
 تی دلفان بنفشه مانا، بره می ماتب و فرارا  
 ویریز کاول اوسانیم، دانه واشانیم، امی تو مبخارا

ترجمه فارسی (۱)

گل پامجال، بیرون بیا، فصل بهار است،  
 شکوفه ها غنچه باز کرده و بلبل بر روی درخت است،  
 عزیز فصل بهار است، چشمان تو گوشه دار است،  
 برای تو خالی مزه دار، الان موقع کار است  
 برخیز، خورش برداریم، در کشتزارمان دانه بکاریم  
 (۱)

در شبهای مهتابی، بظرف انار برنج خانه ات (کوئن) می آیم،  
 قربان توام، سرگشته چشمان توام، بلا یعنی سر،  
 قربان دلیر می روم، بلاگردان دلیرم،  
 هم پیمان دلیرم، ای یار عزیز چون جان من  
 برخیز، خورش برداریم، در کشتزارمان دانه بکاریم  
 (۲)

خورشید بیرون آمده است، ای دختر از خواب برخیز  
 از سینه دم (خروس) خوان، ای آرام، پنوز خانه تو می گردم  
 برخیز آرام جان من، ترگسان (چشمان) تو بنارم،  
 زلف تو مانند بنفشه است، تاب و تیز میز من برد  
 برخیز، خورش برداریم، در کشتزارمان دانه بکاریم

بیش از اعلام نام (بیج دهقان) به عنوان شاعر، گل پامجال، و پس از  
 اعلام آن نیز افراد متعددی مدعی گونشدگی این ترانه بوده اند. من نهایتاً این شال  
 خوش داشته ام که در اولین سالهای جوانی ترانه ای گفته ام که در گوشه و کنار  
 روستاهای دور دست گیلان بر سر زبان هر روستایی است.

من با ختم و آگاهی تمام ترانه گل پامجال، را هماهنگ تصنیف (بجقدر  
 جنگلان خورسی، مته واسی...) ساختم و خدا را سپاس می گویم که نیت من  
 در زنده نگه داشتن تصنیف حماسه جنگل برآورده شده است. در نامه به رادیو  
 به این نکته ظریف اشاره کرده ام.

عین ترانه گیلکی و بازگردان آن به فارسی ضمیمه است. یک سوم سالها  
 بعد از اجرای بند اول و دوم سروده شده است. خواننده های مختلفی به  
 صورت های متفاوت این ترانه را اجرا کرده اند.

چون نت اولین اجرای این ترانه در دسترس نبود، اخیراً نوار تهیه گل  
 پامجال در اختیار هنرمند گرامی آقای غلامرضا امانی قرار داده شده و بر اساس  
 آن نت این ترانه که ضمیمه است، به وسیله ایشان نوشته شد.

آخرین کلام، دیگر گل پامجال، متعلق به همه مردم گیلان است که با آن  
 خاطره های شیرین یار و دیار خود را همواره عزیز و زنده نگه می دارند.

گل پامجال، گل پامجال،  
 بیرون بیا، بیرون بیا،  
 فصل بهار، فصل بهار،  
 شکوفان، شکوفان،